

بهترین مسیر!

هدایت تحصیلی

علی اکبر شریفی

دوران تحصیل مانند درختی است که از سه قسمت اصلی ریشه، تنه و شاخه‌ها تشکیل شده است. شش سال دوره ابتدایی مرحله یادگیری علوم پایه و ریشه این درخت، دوره اول متوسطه تنه درخت و دوره دوم متوسطه و آموزش عالی شاخه‌های آن هستند. سال نهم ابتدای شروع شاخه‌های درخت و جدانشدن مسیرهاست. بعد از آن یک شاخه به سمت شمال، شاخه‌ای به سمت غرب و شاخه‌های دیگر به جنوب و شرق می‌روند. اگر مسیر انتخابی درست نباشد، برگشت و تغییر مسیر هزینه خواهد داشت که مهم‌ترین آن زمان، یعنی روزها، ماه‌ها و سال‌های از دست رفته است!

گام دوم: شناخت محیط و نیازهای جامعه

در این مرحله با نیازهای شغلی که در کشور، استان، شهر، روستا و محیط زندگی ما وجود دارند، آشنایی شویم.

گام سوم: شناخت رشته‌های تحصیلی دوره متوسطه دوم

در این مرحله شاخه‌های تحصیلی دوره دوم متوسطه و پیش‌نیاز علمی و درسی هر کدام از این رشته‌ها را می‌شناسیم.

گام چهارم: شناخت رشته‌های تحصیلی دانشگاهی

این مرحله در واقع مرحله آشنایی با شاخه‌های تحصیلی دانشگاهی است.

گام پنجم: آشنایی با مشاغل

هدف از این مرحله آشنایی با شاخه‌های اصلی شغلی و زیرگروه‌های آن‌هاست.

شناخت خود

در این گام، با پنج موضوع به سراغ خودشناسی و انتخاب رشته می‌رویم:

۱. شخصیت
۲. میل و رغبت
۳. استعداد
۴. توانایی
۵. ارزش

آموزش و پرورش به منظور کمک به دانش‌آموزان برای گرفتن مهم‌ترین تصمیم زندگی‌شان در دوره نوجوانی، طرحی را با عنوان «هدایت تحصیلی» در دوره اول متوسطه اجرا می‌کند.

هدایت تحصیلی یعنی انتخاب رشته تحصیلی - حرفه‌ای و ترسیم آینده شغلی.

خوب است انتخاب رشته براساس توانایی، رغبت، استعداد، شخصیت، ارزش‌ها و همچنین امکانات خانواده، مدرسه، روستا، شهر، استان، منطقه و اقلیم زندگی و با توجه به نیازهای جامعه صورت پذیرد.

دو ابزار در دسترس برای انتخاب رشته تحصیلی - حرفه‌ای عبارت‌اند از:

۱. مطالعه و تحقیق با عنوان‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و انجام پروژه‌های شناختی.
 ۲. مشورت کردن با افراد آگاه و باتجربه، مانند مشاوران و معلمانی که در مدرسه‌ها فعال هستند.
- با دو ابزار بالا می‌توان پنج گام اصلی را به این شرح برداشت:

گام اول: شناخت خود

هدف از این مرحله بالا بردن شناخت خود از توانایی، میل و رغبت، استعداد، شخصیت و ارزش‌هایی است که در وجود ما شکل گرفته‌اند و زمینه رشد و شکوفایی ما را فراهم می‌آورند.

مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ
هر کس خود را شناخت، خدای خود را
شناخته است. (بحارالتواریخ، ج ۲، ص ۳۲)

شخصیت: جزئی از وجود ماست که هست! و آن چیزی نیست که ما درباره خود تصور می‌کنیم (خود آرمانی). یکی از راه‌های کشف آن، نقطه‌نظر دیگران است. بهترین منبع، نظر والدین، معلمان، مشاوران و گروه هم‌سالان است. البته بهتر است نظرها را جمع‌بندی کنیم، چرا که ممکن است برداشت غلطی از شخصیت ما صورت گرفته باشد. راه دیگر مراجعه به مراکز مشاوره و انجام آزمون‌های (تست‌های) شخصیت است.

ارزش: همان باورهای قلبی است که از بدو تولد توسط شخص، خانواده، محیط زندگی، فرهنگ، اسوه‌ها و رسانه‌ها شکل می‌گیرند. ارزش‌های درونی شده در فرایندهای زندگی بسیار تأثیر گذارند؛ مثل ارزش‌های مادی و ارزش‌های معنوی که انسان را در دو مسیر متفاوت قرار می‌دهند.

میل و رغبت: همان علاقه‌ها و خواستن‌های درونی ماست. بخشی از میل‌ها و علاقه‌ها در خود آرمانی نهفته‌اند؛ یعنی همان خودی که به صورت آمال و آرزو درمی‌آید.

استعداد: آن دسته از ظرفیت‌هایی است که با کمی تمرین می‌تواند شکوفا شود.

توانایی: آن دسته از ظرفیت‌هایی است که نمودارند و شکوفا شده‌اند.

